

## عنوان مقاله:

کاربست مفهوم ماخولیا در شعری از نیما یوشیج

## محل انتشار:

شانزدهمین کنفرانس بین المللی زبان، ادبیات، فرهنگ و تاریخ (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 15

## نویسندگان:

حمیده مظفری - دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه گیلان

صائب کمالی ثابتی - دانش آموخته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان

## خلاصه مقاله:

کاربست مفاهیم فلسفی، جامعه شناسانه و روانکاوی در آثار ادبی، مادام که نتواند پرتوی بر حقیقت مایه و ایده های بنیادین اثربخند، چیزی جز نوعی بررسی انتزاعی و تطابق تحمیلی نخواهد بود. با این حال دانش های علوم انسانی همواره با ادبیات رابطه ای نزدیک و همسو داشته اند و گسترش این رابطه غالباً به غنی شدن هر دو سوی آن منجر شده است. در این میان، شعر فارسی که با تلاش های نیمایوشیج و برخی از شاگردانش وارد عرصه ای نوین از حیات کهن خود شد تا حد زیادی ارتباط نظری خود را با چنین حوزه هایی حفظ کرد و پتانسیل بررسی تطابقی با فلسفه و روان کاوی را در خود به وجود آورد. ماخولیا هرچند از خاستگاه روان کاوی برخاسته است، اما میان این حوزه، جامعه شناسی، ادبیات و فلسفه مشترک است. ماخولای نیما یوشیج به نوعی نخستین مواجهه ی مدرن با این مفهوم به شمار می آید. پیکربندی مفهوم ماخولیا در این شعر به میانجی نظریه های روانکاوی و فلسفه قابل پیگیری است.

## کلمات کلیدی:

ماخولیا، ماخولا، فقدان، روانکاوی، نیما یوشیج.

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1770956>

